



تجلی تمایلات سیاسی سلاطین مملوکی در نقوش پارچه

ربابه تقی زاده بروجنی^۱ ID، عباس بزرگمهر^۲ ID، زهرا اکبرزاده نیاکی^۳ ID

* (نویسنده مسئول) گروه آموزشی هنر، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران، r.taghizade@hmu.ac.ir
^۲ گروه آموزشی نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، dargi_abbas@yahoo.com
^۳ گروه آموزشی هنر، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران، niaki.zahra@gmail.com

چکیده

منسوجات یکی از نخستین ملزومات زندگی انسان است که بشر از بدو خلقت درصدد پاسخگویی به آن بوده است. مطالعه تاریخچه منسوجات حاکی از این است که این ساخته دست بشر به تدریج سیر تکوینی را پشت سر گذاشته و در هر دوره‌ای متناسب با عوامل مختلف، تغییراتی را در جنس و نقش به خود دیده است. مصر، خاستگاه یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری است؛ لذا بررسی منسوجات در این جغرافیا می‌تواند پاسخگوی سؤالات متعددی باشد. یکی از حکومت‌هایی که برای مدتی بر مصر سیطره داشت، ممالیک (۱۵۱۷-۱۲۵۰م) بودند. جامعه مصر در عصر مملوکی مملو از منسوجات مختلف بود که هر کدام به نحوی بیانگر میزان ثروت و موقعیت صاحبان آن بود. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی و کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که لباس نزد سلاطین مملوکی چیزی بیش از یک پوشش فاخر بود. این حاکمان هنر و صنعت را ابزاری جهت تبلیغ قدرت و حکومت خویش به کار بردند. توجه به لباس با پارچه‌های ابریشمی رنگین مزین به نقوش و نشان‌های قدرت و رنگ‌های مخصوص هر حاکم در دربار مملوکی را نمی‌توان فاقد اهداف سیاسی دانست. استفاده از لباس و خلعت به‌عنوان هدایای سیاسی و همچنین جایگاه این آثار در نصب و خلع‌های حاکمان، مهر تأییدی بر استراتژی ممالیک در مقبولیت‌بخشی و هویت‌یابی خود به‌عنوان تنها حاکمان اسلامی موردقبول خلیفه است. متناسب با این نوع نیاز، در این دوره سبک و روشی در طراحی پارچه شکل گرفت که پاسخگوی نیاز سیاسی و اجتماعی دربار باشد. در این دسته از منسوجات نه‌تنها عنوان و القاب سلاطین به‌عنوان یک ابزار هویت‌ساز به‌کار رفته‌اند؛ بلکه در بسیاری از نمونه‌ها این القاب در کنار نقوشی همچون اژدها، سیمرخ، مدالیون و نیلوفر که در چین نقوش مرتبط با قدرت هستند، دیده می‌شود. درواقع سبک نقوش منسوجات مملوکی پاسخگوی نیاز سیاسی و هویتی آن‌ها بوده است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی وضعیت منسوجات در دوره سلطنت ممالیک بر مصر.
۲. بررسی نقش اهداف سیاسی ممالیک مصر در طرح‌های پارچه.

سؤالات پژوهش

۱. منسوجات در دوره سلطنت ممالیک بر مصر چه وضعیتی داشت؟
۲. اهداف و تمایلات سیاسی ممالیک مصر چه بازتابی در نقوش پارچه در این دوره تاریخی داشت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۹۴ الی ۱۰۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

منسوجات،
ممالیک مصر،
نقوش پارچه،
مشروعیت سیاسی.

ارجاع به این مقاله

تقی زاده بروجنی، ربابه، بزرگمهر، عباس، اکبرزاده نیاکی، زهرا. (۱۴۰۰). تجلی تمایلات سیاسی سلاطین مملوکی در نقوش پارچه. هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۹۴-۱۰۸.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.43.13.6](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.43.13.6)

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.244735.1313



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حکومت ممالیک در حد فاصل (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق/۱۲۵۰-۱۵۱۷ م) بر مصر حکومت داشتند. این حاکمان خاستگاه غلامی داشتند. سپاه ایوبی شامل طبقات بسیاری بود. یکی از آن گروه‌ها پانصد محافظ شخصی با لباس زردرنگ بودند که ممالیک خوانده می‌شدند. آن‌ها پس از یک دوره طولانی حضور در سپاه ایوبی موفق به تشکیل حکومت شدند. حاکمان مملوکی خیلی زود به این مسئله واقف شدند که برای تداوم حکومتشان لازم است قدرت و مشروعیت خود را به‌عنوان حاکمان بلامنازع اسلام بر فرمانروایان قدرتمند سایر سرزمین‌ها اثبات کنند. مشکلات سیاسی ناشی از عدم مقبولیت ممالیک به واسطه هویت غلامی آن‌ها موجب شد ممالیک به‌عنوان استراتژی بقا تمهیداتی را اندیشیده و در سطوح مختلف جامعه اجرا کنند. بخشی از این فرآیند در ادبیات و فرهنگ‌سازی ادبی بود و بخش دیگر به واسطه هنر در مصر و سوریه مجال بروز پیدا کرد. به عبارت دیگر از آنجا که مملوکیان غلامان ترک بودند، مردم مصر و شام تنها به خاطر مقابله تحسین‌برانگیزشان در برابر صلیبیون و مغولان و همچنین حمایت خلیفه عباسی از قاهره از آن‌ها پذیرفتند؛ وگرنه حاضر به پذیرش آنان نبودند. در این راستا، هنر و دیگر صنایع کاربردی جامعه تبدیل به ابزارهایی برای نمایش قدرت شدند. علاوه بر ادبیات، امیران و حاکمان ممالیک صنایع را از آن جهت که از طریق تجارت به سایر بلادها راه می‌یافت ابزار مناسب هویت‌جویی خود یافتند. خصوصاً صنایع فلزی و منسوجات زمینه را برای این مسئله فراهم می‌ساختند تا آنجا که هر پادشاه برای نمایش قدرت و اقتدار خود نشان مخصوصی داشت که بر این آثار نقش می‌بست. درخصوص پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی طراحی منسوجات ایلخانی و ممالیک مصر در قرون هفتم و هشتم هجری» توسط فرهود و دهملایان (۱۳۹۵) نوشته شده است. نویسندگان در این مقاله ضمن انجام یک بررسی تطبیقی از منسوجات این دو حکومت، در طرح و نقش به تأثیرپذیری آن‌ها بر یکدیگر اذعان دارد. این اثر محدود به میزان تأثیرپذیری منسوجات ممالیک از ایلخانیان به واسطه روابط سیاسی و اقتصادی بوده است و اشاره‌ای به مبانی فلسفی داخلی طرح و نقوش پارچه در قلمرو ممالیک ندارد. مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۵) در کتاب هنر/اسلامی نوشته پاتریشیا بیکر به معرفی منسوجات اسلامی پرداخته است. اما واکاوی مبحث منسوجات فاخر دربار مملوکی و نقوش آن‌ها تا به حال به‌طور تخصصی انجام نشده است؛ لذا پژوهش حاضر می‌تواند آغازگر این راه باشد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی و منابع کتابخانه‌ای درصدد واکاوی ماهیت منسوجات و نقوش پارچه در دوره حکومت ممالیک بر مصر است.

۱. منسوجات ممالیک

اگرچه حکومت تقریباً سه قرن ممالیک در مصر فراز و نشیب‌های بسیاری داشت و اگرچه سلاطین ممالیک در مقایسه با بسیاری از سلاطین دیگر مناطق اسلامی افراد نالایق‌تری بودند؛ با این حال، در یک نگاه کلی این دوران، دوره فراگیر شدن آموزش، بروز و ظهور چهره‌های سرشناس علمی در عرصه‌های مختلف بود. علت اصلی این امر را باید در تلاش امیران مملوکی جهت کسب وجهه امیری دانست. این دوران بیش از سیصد نویسنده در زمینه‌های تاریخ، ادب، شعر، فقه، اصول، حدیث و غیره در مراکز آموزشی ممالیک مشغول تدریس و تألیف بودند. در این دوره رشته‌های مختلف علمی اعم از علوم دینی و غیر دینی مورد توجه علما قرار گرفت و در هر زمینه چهره‌هایی نام‌آور شدند. در رشته تاریخ کسانی مثل ابن‌عبدالطاهر صاحب سیره سلطان بیبرس و اشرف خلیل قلاوون (متوفی: ۶۹۲ هـ / ۱۲۹۳ م) ادفوی (۶۸۵-۷۴۹ هـ) صاحب الطالع السعید الاسماء نجبا الصعید، جمال الدین بنواصل (متوفی ۶۰۴-۶۹۷ هـ) صاحب مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب و تاریخ الصالحی (السید النشار، ۱۴۱۳: ۵۸) و تاریخ‌نویسان دیگر که در این پژوهش مجال پرداختن به آن‌ها نیست.

در دوره دوم حکومت ممالیک، فرهنگ‌نامه‌ها و دایرة‌المعارف‌ها رونق فوق‌العاده یافت. مشهورترین آن‌ها «نهایة الأرب فی فنون الأدب» اثر نویری (زرکلی، ۲۰۰۲: ۱/ ۱۶۵)، صبح الاعشی فی صناعة انشاء تألیف قلقشندی (موسی پاشا، ۱۴۱۹: ۵۴۰). «مسالك الابصار فی ممالک الامصار» تألیف ابن فضل الله عمری (موسی پاشا، ۱۴۱۹: ۵۱۴). «مباهج الفکر و مناهج العبر» محمدبن ابراهیم وطواط. النجوم الزاهره ابن تغری بردی که از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دایرة‌المعارف‌های تاریخی است (موسی پاشا، ۱۴۱۹: ۸۷). در جغرافیا و طب و... نیز چهره‌های سرشناسی ظهور کردند.

رونق شهر قاهره با سقوط بغداد آغاز شد. احیای خلافت عباسی در آن که از فتنه مغول در امان مانده بود، شدت گرفت. دانشمندی از تونس، یمن و سایر مناطق برای سفرهای علمی به آن سرزمین مهاجرت می‌کردند؛ دانشمندی مثل کافیجی، شیخزاده، عراقی، عجمی، عسقلانی، دمیری، بلقینی، سبکی، دمیاپی، سخاوی، سیوطی و... به مصر آمدند و با حضورشان به رونق فعالیت علمی و فرهنگی در مصر کمک کردند (عزالدین، ۱۴۱۰: ۲۵-۲۶).

درباره منسوجات باید گفت از جمله عواملی بود که به شکوفایی نظام اقتصادی و تجاری در دوران حکومت ممالیک، تجارت پارچه و محصولات پارچه‌ای کمک کرد. علت این موضوع وجود راه‌های تجاری بود که از مصر عبور می‌کرد. «به دلیل درگیری‌های موجود بین مغولان، راه خشکی چین از سوی و آسیای صغیر و بنادر دریای سیاه از سوی دیگر از بین رفت و پر از خطرات و حملات راهزنان شد. بازرگانان نیز از پیمودن راه دریای چین به هند و هرمز در خلیج فارس پرهیز می‌کردند. راه جدیدی که از مشرق دور می‌آمد و از اقیانوس به سمت دریای سرخ می‌رفت، به نفع دولت ممالیک بود و کمک شایانی برای رونق اقتصادی آنان داشت» (شبارو، ۱۳۸۰: ۴۳). علاوه بر آن ممالیک دریافتند که منسوجات به واسطه کالای پراهمیت در تجارت می‌توانند اندیشه‌های آن‌ها را جامه عمل بپوشانند و از طریق آن‌ها اقتدار و هویت جدید خود را به سایر بلادها گوشزد کنند.

از میان حاکمان مملوکی النصیر محمد نقش به‌سزایی در پیشرفت منسوجات این عصر داشته است. تولید و گسترش مراسم و تشریفات رسمی توسط این حاکم مملوکی انجام شد و درواقع، وی این مراسم‌ها را به وسیله زیباسازی جامه‌های رسمی و تنظیم سلسله‌مراتبی جدی برای لباس براساس انواع صنف‌ها تقویت کرد. لباس مملوکان نوشته‌مایر، تا به امروز تنها مرجع مهم برای اطلاعات و دانش درباره‌ی البسه رسمی و قوانین مربوط به آن‌هاست. مایر بسیاری از نوآوری‌ها در صنعت نساجی را به این دوران نسبت می‌دهد، مانند طراز طلایی، زربفت طلایی و کمربندهای طلا. مد لباس‌های ارتشی به‌وسیله معرفی کت‌های سالاری و تارتار و اقبیاه مفتوح‌ح در دوره این حاکم مملوکی شکل گرفت» (Mayer, ۱۹۵۲: ۲۱).

امیران و حاکمان مملوکی سعی داشتند از تکنولوژی‌های بافت سایر ملل بهره‌گیرند تا بتوانند در بافت پارچه‌ها از ابریشم بیشتری استفاده کنند. به‌طور حتم منسوجات ابریشمی، از آن جهت که فاخرتر هستند، بیش از سایر منسوجات در القای شوکت درباریان اهمیت دارد؛ لذا باید گفت دلیل تغییر در روش‌های بافت پارچه که در این دوره مرسوم شد، نیاز به استفاده ابریشم بیشتر در لباس درباریان بود که خود این مسئله یعنی نیاز دربار به مقبولیت‌بخشی و پنهان کردن چهره غلامی گذشته خود در زیر الیاف فاخر ابریشم و زربفت است. حتی می‌توان چنین ادعان داشت که سبک درباری منسوجات مملوکیان در ابریشم‌های این دوره تجلی پیدا کرده است که البته بهترین‌های آن جهت مطالعه، آن گروه از منسوجات ابریشمی است که طی کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده‌اند. در کشوری که کتان در آن لیف ارجح بود، ابریشم یک پارچه فاخر محسوب شد. «دستگاه پرده‌بافی که از دوران قبل از اسلام برای بافت‌های پشمی به‌کار می‌رفت، برای بافت ابریشمی‌ها با کتیبه‌های طرازی در دوران فاطمیان و مملوکان نیز استفاده شد. در دوره مملوکی، زربفت جایگزین بافت دیوارکوب شد؛ چراکه پارچه‌هایی با طرح‌های کامل‌تر و پیچیده‌تر برای لباس‌های با فرم‌های ظریف‌تر موردنیاز دربار واقع شد. هم‌مد و هم تکنولوژی تولید آنان از شرق آمده بود. در همین دوران، نخ‌هایی Z تاب که در ایران و عراق موجود بود، کمابیش جایگزین نخ‌های سنتی مصری S تاب شد. معمولاً تا دوران مملوکی، نخ‌های Z تاب در کتان استفاده نمی‌شد. این یک تکنولوژی وارداتی محسوب می‌شد که از مردمانی که آن را با سایر الیاف بدون جهت چرخشی طبیعی با پشم و پنبه استفاده می‌کردند، برگرفته شده بود. کنار گذاشتن دستگاه دیوارکوب و استفاده از نخ Z تاب کمک کرد تا صنعت نساجی بتواند پارچه‌هایی با غلبه جنس ابریشم (با ابریشم بیشتر) تولید کند» (Bellinger, ۱۹۸۴: ۹-۱۰). با این تفاسیر می‌توان گفت در دوره حکومت ممالیک، منسوجات و پارچه‌بافی اعصار درخشان خود را پشت سر گذاشت.

۲. تأثیر سیاست در سبک بافت و تزئین ابریشم‌های درباری مملوکی

ابریشمی‌های مملوکی غالباً با دستگاه زربفت بافته می‌شدند. دستگاه زربفت که زمانی در اواسط قرن سیزدهم به مصریان معرفی شد، تولید و بازتولید طرح‌های سخت و پیچیده، تکرار الگوها و طرح‌ها و لباس‌های دو و سه‌لایه را آسان کرد. نخ‌ها معمولاً دارای جهت تاب Z شکل هستند و استفاده زیادی از نخ‌های طلایی و نقره‌ای در گران‌قیمت‌ترین

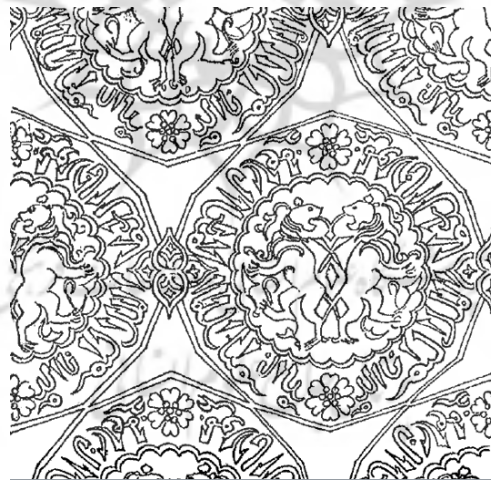
پارچه‌ها شده است. این تحول تنها به قسمت ساختار بافت محدود نشد و خیلی زود مملوکیان به قدرت نقش پی بردند. امروزه با مراجعه به نمونه ابریشم‌های موجود در موزه‌ها و خصوصاً منسوجاتی که نام خلفای مملوکی را در خود دارد، علاوه بر آنکه می‌توان سایر منسوجات با طرح‌های مشترک را به این دوره نسبت داد، می‌توان خصوصیات تصویری و نوع سبک آرایش ابریشم‌های این دوره را که در مسیر روند مشروعیت‌سازی است، به‌دست آورد. باین‌حال طرح‌های ابریشم‌های مملوکی، چه در ترکیب و چه در نوع آرایه‌های تزئینی و عناصر طراحی به سختی قابل شناسایی هستند. «تمیز دادن بین ابریشمی‌های مزین مملوکی و ابریشمی‌های تولیدشده در چین، ایتالیا و اسپانیا طی قرون سیزدهم تا پانزدهم کار مشکلی است. این عصر، دوره‌ی فعالی در تبادلات بین‌المللی منسوجات با بهترین کیفیت مانند ابریشمی و قالی بوده است که نهایتاً به گسترش و بهبود سبک بین‌المللی انجامید. علاوه بر آن، ابریشمی‌های اروپایی پیرو ابریشم‌های شرقی بودند و بافندگان چین طرح‌های اسلامی برای بازار مملوکی تولید می‌کردند؛ در نتیجه، توصیف صفات اختصاصی تولیدات مصری و سوری تنها بر اساس تزئینات، کار اشتباهی است» (Walker, ۱۹۹۸: ۱۷۸).

امیران مملوکی رنگ‌ها و طرح‌های موردعلاقه مردم مصر را مورد توجه قرار دادند تا از این طریق خود را جزیی از مردم بدانند. در ترکیب‌بندی طرح‌ها معمولاً از مجموعه‌ای از قاب‌ها تشکیل شده که این قاب‌ها محصول فرعی ساختار پارچه بوده‌اند و با خطوط صاف یا منحنی طرح اصلی را به‌صورت دقیق و تمیز و ریاضی‌وار اجرا کرده‌اند. طرح‌ها عبارت بوده‌اند از عناصر گیاهی، حیوانی و کتیبه‌ای. «ممالیک با انتخاب رنگ آبی که از گیاهان نیل حاصل می‌شد و رنگ ترجیحی و منتخب مردم مصر در نقاشی‌ها و تصویرسازی‌ها، شیشه‌های رنگی و تزئینات سفال بود سعی می‌کردند خود را به مردم مصر نزدیکتر کنند. رنگ طلایی با ابریشم‌های گران‌قیمت و سنگین و طرح‌های طلایی که خود در دو دسته رنگی موجودند. سبز و آبی نیز با همین اندیشه به کار می‌رفت. از طلا به‌وفور در ابریشم استفاده می‌کرده‌اند به‌خصوص برای تحریک و اغوای النصیر محمد بن قلاوون، ولی متأسفانه تعداد اندکی ابریشمی با نخ‌های طلاکاری شده سالم باقی مانده‌اند» (Mackei, ۱۹۸۴: ۱۲۸).

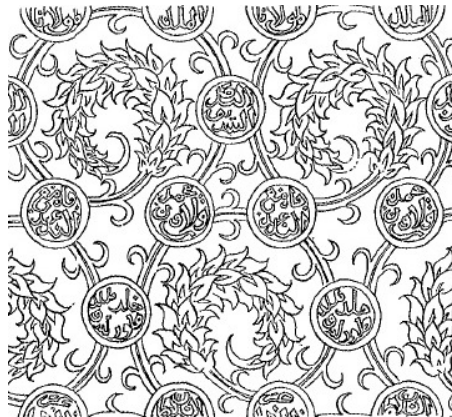
همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، نیازهای سیاسی و اجتماعی امیران و حاکمان مملوکی باعث شد تا در ساختار و نوع بافت ابریشمی‌های مملوکی تغییراتی ایجاد شود. یک تغییر آشکار و هویدا در قرن سیزدهم توسط بافندگان خبره و حرفه‌ای ایران و عراق شکل گرفت. این بافندگان گویا همان گروهی بودند که از دست مغولان فراری بودند و جذب صنعت پررونق نساجی مملوکی شدند. دستگاه‌های بافتی که این افراد معرفی کردند، دارای ابزار طرح‌اندازی مکانیکی بود که اساساً ذات و شکل طرح‌های پارچه را تغییر می‌داد. برعکس دستگاه‌های بافندگی ساده که طرح را به صورت تکی می‌انداخت، دستگاه‌های طرح‌اندازی مکانیکی اجازه تکرار بی‌نهایت یک موتیف را به‌صورت تکرار آینه‌ای به بافنده می‌داد. تصاویر آینه‌ای و تکرارشونده بر سبک موتیف و طول کتیبه اثر می‌گذاشت: یعنی تصاویر بزرگ و کتیبه‌های دراز به زمان بیشتری برای بافته‌شدن نیاز داشتند و نتیجتاً گران‌قیمت‌تر نیز بودند. (تصویر ۱)



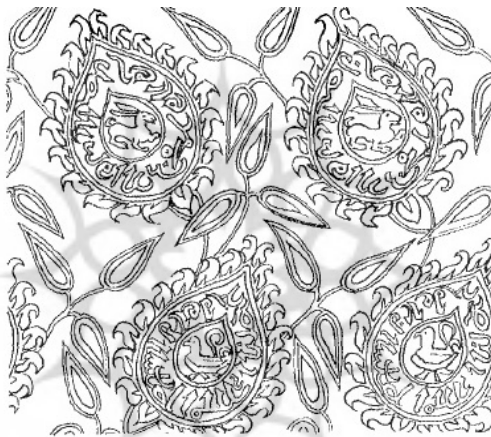
تصویر ۱- ابریشمی عاجی، آبی متوسط، و آبی تیره رنگ؛ بافت سه لا؛ ۱۹×۲۳ سانتیمتر. موزه کونست گوربه، برلین غربی، شماره ۹۷.۲
تنوع ساختار ابریشمی‌های مملوکی نشان‌دهنده خبرگی و استادی بافندگان آن دوره است. به‌رغم اینکه گروهی از ابریشمی‌های این عصر دارای بافتی ساده بودند، مخصوصاً اطلس ابریشمی ولی اکثر آنان دارای بافت‌های پیچیده بودند. رایج‌ترین آنان پارچه‌های دولا و سه‌لا هستند.



شکل ۱- پارچه ابریشمی دارای بافت ساده، استفاده از قاب‌های دوازده ضلعی به جای طرح‌های دایره‌ای قرون گذشته قرن ۷ همان‌طور که در شکل دیده می‌شود، یوزپلنگ در قاب‌های کتیبه‌ای با نام النصیر نصیر الدنیا و الدین احاطه شده‌اند. موزه هنرهای اسلامی، قاهره.



شکل ۲- دمشق، ابریشمی زردرنگ با تاک‌های پربرگ برای ترنج‌ها، جلال و شکوه و جلال باد بر اربابمان * سلطان الملک * النصیر {؟} [الشریف] * مخالف مخالفان * محمد ابن قلاوون * باشد که الله حاکمیتش را جاودان کند. موزه هنرهای اسلامی، قاهره، شماره ۳۸۹۹



شکل ۳- ابریشم قرمز رنگ، دمشق، با دو تکه بادامی شکل و ساقه‌های عمودی موج که از طرح ابریشمی‌های چینی منطبق با سلیقه بازار مملوکی الهام گرفته است، جلال و شکوه باد بر اربابمان سلطان الملک النصیر... نصیر الدین و الدین محمد قلاوون، ۱۳۴۱-۱۲۹۳ (با دو زدگی)؛ ابریشم اطلسی. موزه اسلامی، برلین شرقی، شماره I ۳۲۱۴.

بنا به سنت هنر اسلامی، خط عربی یکی از عناصر اصلی طرح‌های منسوجات مملوکی نیز محسوب می‌شود. امیران مملوکی بدون واسطه به کمک کلمات، هویت جدید خود را به عنوان سلاطین سرزمین‌های اسلامی به مردم مصر و سایر بلاد اعلام می‌کردند. تقریباً پنجاه درصد قطعات ابریشمی مملوکی باقی‌مانده دارای کلمات عربی هستند که همگی خوانا بوده و شامل عبارات یک کلمه‌ای مانند سلطان و کتیبه‌های تاریخی با اسامی سلاطین و نمادین افتخاری بوده‌اند.

رایج‌ترین نوشته‌ها عبارت بودند از جلال و شکوه سلطان و پادشاه که دعایی است که با تغییر قدرت همچنان مناسب تمام سلاطین بوده است. در شکل‌های ۱، ۲ و ۳ می‌توان نمونه‌هایی از این نوع کتیبه‌ها را دید. نمونه این ابریشمی قطعه‌ای است که در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود. سلطان‌الملک المؤید این ابریشمی بی‌نظیر را به سلطان رسولیان، مؤید داوود (۱۳۲۱-۱۲۹۷) نسبت داده‌اند. نام این سلطان مملوکی بر سایر آثار هنری این دوره، همچون

فلزکاری‌ها و تنگ‌های شیشه‌ای دیده می‌شود و سندی است دال بر علاقه حاکمان در مطرح کردن نام خویش به عنوان سلطان. (تصویر ۲)

ظاهراً استفاده از کتیبه در پارچه در تمدن اسلامی نخستین بار توسط شاهان اموی و به تقلید از الگوهای ساسانی و بیزانس بوده است. به هر حال منسوجات ابریشمی با تزئینات کتیبه‌ای بسیار معتبر و فاخر می‌شوند و به نحوی میزان قربت و نزدیکی صاحبان آن را به دستگاه قدرت و خلافت نشان می‌داد (Baker, ۱۹۹۵: ۵۳). نقش کتیبه در بسیاری موارد در کنار نقوش دیگر همچون طرح‌های گیاهی قابی و گره‌های هندسی دیده می‌شود که معمولاً با نخ‌های آبکاری طلا بافته شده است.



تصویر ۲. ابریشم راه‌راهی قهوه‌ای و عاجی‌رنگ، کتیبه به خط عربی به معنی جلال و شکوه باد بر اربابمان، سلطان الملك المؤید، منتسب به سلطان رسولی، موید داوود بن یوسف، ۱۲۹۷-۱۳۲۱؛ بافت دولا؛ ۱۴×۲۶ اینچ. موزه هنر متروپولیتن، نیویورک، شماره b۳۱،۱۴.

از لحاظ نوع طراحی و شیوه ترکیب‌بندی نقوش، ابریشم‌های کتیبه‌دار دارای همان طرح‌های ابریشم‌های بدون کتیبه هستند. برای شناسایی راحت‌تر منسوجات ابریشمی کتیبه‌ای مملوکی را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم کرد: گروه اول که بیشتر در ابریشم‌های اولیه مملوکی دیده می‌شود، یک متن طولانی در زمینه تکراری و نامنظم پارچه به نمایش در می‌آید. گرچه در این شیوه نیز می‌توان نمونه‌های فوق‌العاده زیبایی یافت؛ اما این روش خیلی با سلیقه حاکمان و درباریان همراه نبود؛ لذا تداوم هم نداشت. نمونه این سبک تزیین در تصویر شماره ۳ آمده است.



تصویر ۳- دیوارکوب با نخ‌های آب طلا، {جلال و شکوه باد بر اربابمان} سلطان بزرگ الملك الاشرف صلاح... سلطان... {الا} شرف صلاح الد... {اس} لام و مسلمین، پادشاه پادشاهان {؟} و بر سلطان ابولفتح خ {لیل}، محافظ... {تکه‌ای جداشده} جامعه محمدی مسلمانان، ارباب پادشاهان {؟} و بر سلطان ابولفتح خلیل، حافظ جامعه، ۱۲۹۰-۹۳؛ بافت دیوارکوب (با بیش از چهار یا بیشتر لایه)، ۷۴×۱۹ سانتیمتر. موزه هنر اسلامی، قاهره، شماره ۱۵۶۲۶.

دسته دوم که از طرح‌های رایج ابریشم‌های کتیبه‌ای مملوکی بود، دارای ترکیب‌بندی خطی است که طرح اصلی در پیش‌زمینه و فضای پس‌زمینه فوراً به چشم می‌خورد. ترنج‌های نوک‌تیز، محرمانی‌های کتیبه‌ای و پارچه‌های حاشیه‌دار از جمله محبوب‌ترین این طرح‌ها محسوب می‌شوند. نمونه‌ارائه‌شده در تصویر ۲ از این نمونه است. طرح ناپویا و سنگین دایره‌ای که موضوع اصلی طرح منسوجات از قرن هفتم بوده است، ظاهراً در قرن سیزدهم دمه شده بوده است. یک حریر آبی با طرح دوازده ضلعی از بقایای این سبک است (شکل ۱). در این تصویر آینه‌ای، یوزپلنگ‌ها در قاب‌های کتیبه‌ای با نام النصیر نصیر الدنیا و الدین احاطه شده‌اند که منتسب است به النصیر محمد ابن قلاوون. موتیف پرندگان قاب‌شده در میان شکوفه‌های درخت سدر (کنار) و درختان مو بیانگر گذر و عبوری است از طرح دایره‌ای ناپویا به طرح‌های نوک‌تیز، روان و پویا.

از این نحوه به‌کارگیری کتیبه می‌توان به نمونه‌ای که در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود، اشاره کرد. قطعه ابریشم آبی و عاجی‌رنگ که مشبک‌های نوک‌تیز کل طرح را فرا گرفته‌اند و کتیبه در مرکز گل لوتوس بسیار موزون و هماهنگ ترسیم شده است. عبارت الملک سلطان در این کتیبه به چشم می‌خورد. (تصویر ۴ و ۵).



تصویر ۴- ابریشم دمشقی (بافت اطلسی) قرمز ملیح، گل‌های لوتوس با عبارت با معنی جلال و شکوه اربابمان، سلطان و سلطان و پادشاه در ترنج کوچک، سال ۱۴۳۰؛ اطلسی دمشقی؛ ۱۶×۱۵ اینچ. موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن، شماره ۸۶۱۴-۱۸۶۳

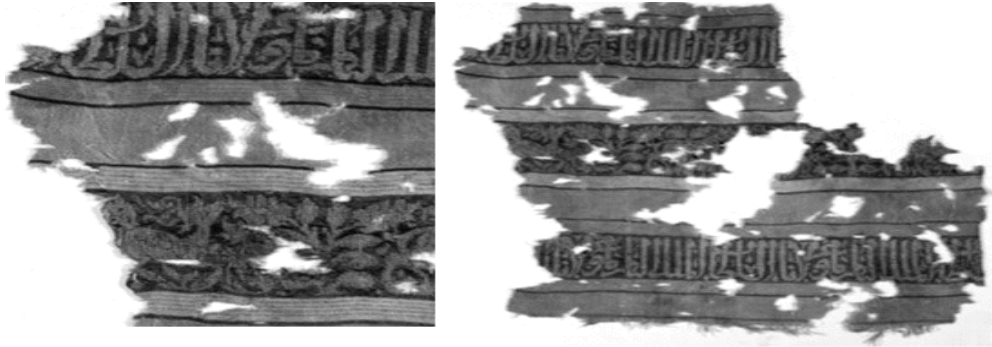


تصویر ۵- ابریشم آبی و عاجی رنگ، بافت ترکیبی؛ ۱۴.۵×۱۳ اینچ. موزه متروپولیتن، ترنج و اسلیمی نیویورک، شماره ۴۶.۱۵۶.۱۷ کتیبه الملک السلطان در میان ترنج‌ها دیده می‌شود.

دسته سوم ابریشم‌های کتیبه‌دار که در آن نقوش در ردیف‌های مبهم بر زمینه‌ای منقوش با گل و برگ چیده شده‌اند، گاهی شامل پرندگان و گاهی حیواناتی است که به صورت شناور در زمینه قرار دارد و گروهی از طرح‌های واقع‌گرایانه‌ای است که مملوکیان تحت‌تأثیر ابریشم‌های چینی به آن دست یافته‌اند. قطعه پارچه ارائه‌شده در تصاویر ۶ و ۷ از این نمونه است.

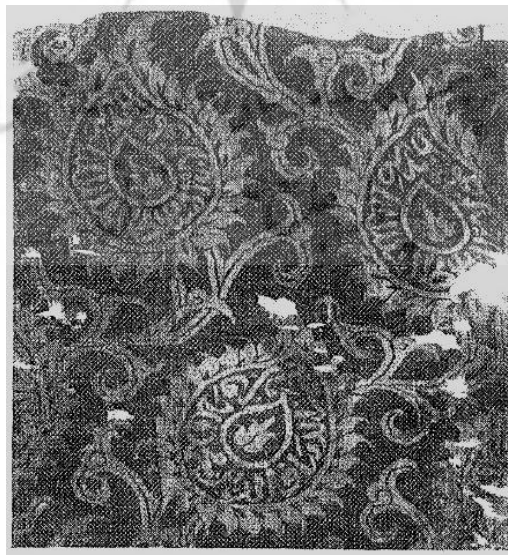


تصویر ۶. ابریشم آبی متوسط، آبی روشن و عاجی رنگ با نخ‌های فلزی؛ پارچه سه‌لایه، پرده فلزی؛ ۷×۴.۵ اینچ. موزه منسوجات، واشنگتن دی‌سی، شماره ۳.۲۳۸



تصویر ۷- یک قطعه ابریشم ۲۶×۲۵ سانتیمتر طرح راهراه افقی با غزالهای خرامان در بین گیاهان و گلها، و تکرار یک کتیبه به خط عربی: المولانا السلطان الملك النصير نقوش در زمینه قهوه‌ای تیره، بژ و فیروزه‌ای در زمینه بژ اجرا می‌شوند. محل نگهداری این قطعه در موزه بنکی (museum Benaki)، آتن، به شماره ۱۵۰۹۳.

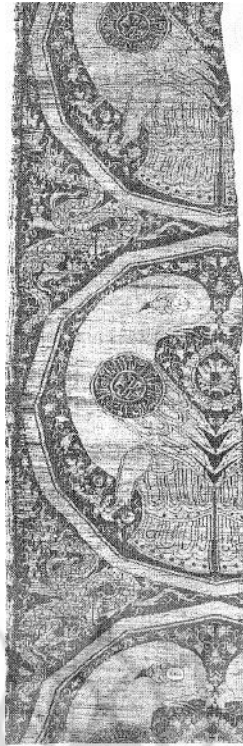
دسته چهارم گروهی از منسوجات است که عناصر شکل‌دهنده طرح شامل گل‌هایی اسلیمی‌دار است که آزاد و رها و فارغ از هرگونه قواعد خشک و ثابت ریاضی‌گونه در فضای پس‌زمینه شناور هستند و کتیبه‌ها در قالب‌های گوناگونی در این فضای گلگون قرار گرفته‌اند. ظاهراً این نوع طراحی توسط چینی‌ها و در سلسله یوآن کاربرد داشته است. دو دسته از ابریشم‌های یوآن در مصر پیدا شده است که یکی دارای طرح‌های تمام چینی و دسته دوم دارای طرح‌های چینی منطبق با سلیقه بازارهای مملوکی بود. از این دسته منسوجات نمونه‌نمایش داده‌شده تصویر ۸ است که شامل شکوفه‌های اشکی‌شکل، بر ساقه‌های مارپیچ روپیده به همراه نام محمد قلاوون است.



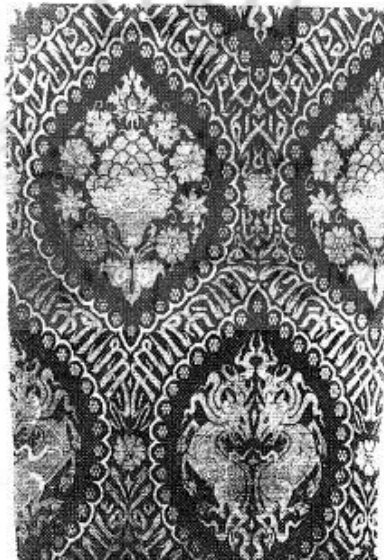
تصویر ۸. دمشق، ابریشمی چینی با طرح ساقه‌های عمودی موج منطبق با سلیقه بازار مملوکی، شکوه و جلال باد بر اربابمان سلطان الملك النصير* نصیر الدنیا والدین محمد {ابن} قلاوون، ۱۳۴۱-۱۲۹۳ (با دو زدگی)، سلسله یوآن (۱۳۶۸-۱۲۷۹)؛ ۱۰×۱۰ اینچ. موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن، شماره ۷۶۹.۱۸۹۸.

ریتم بی‌نظیری را می‌توان در ابریشمی تصویر ۲ مشاهده کرد که به علت تنوع ارتفاع، محتوا و نوارهایی است که در رنگ‌های قهوه‌ای و عاجی‌رنگ دیده می‌شوند. کتیبه‌ای ستایشی در مدح سلطان الملک‌الموید در قاب‌هایی محصور شده است. در تصویر طرحی پویا و روان در این ابریشمی وجود دارد که به خاطر عناصر متنوعی است که در واحدهای فضایی منظمی ترکیب شده‌اند و نوارهای قهوه‌ای و عاجی‌رنگ دارد. نسبت، خط، تراکم طرح، رنگ و چرخش بصری همه مکمل یکدیگرند. راه‌راه حیوانی با قرینه آینه‌ای یک دگردیسی از بال عقابی به یک اردک را نشان می‌دهد درحالی‌که راه‌راه کناری آن متنی برجسته در زاویه نود درجه است که این ویژگی همچنین در ابریشمی‌های ایرانی-عراقی نیز وجود دارد. استفاده از کتیبه سلطان و نقش عقاب به‌عنوان یک نقش وابسته به حکومت و قدرت از تمهیداتی است که سلاطین مملوکی در جهت القای مشروعیت سنتی خود به کار گرفته‌اند. با این وجود کلیت این طرح مطابق است با هنر مملوکی اولیه که شامل متنی با خط نسخ است؛ شکوه و عزت باد بر اربابمان.

به‌طور کلی چینی‌مآبی در صنعت نساجی به‌خصوص، از دوران حکومت محمد النصیر رایج شد. منظور از این روش «استفاده از طرح‌های تکرارشونده، ترنج‌های نوک‌تیز و اشکی در بافت پارچه ابریشم‌گلداز است» (Walker, ۱۹۹۸: ۱۷۶). این نقوش همان نقوشی است که حاکمان چینی سلسله یوآن به نشانه قدرت و جاودانگی استفاده می‌کردند و این همان نیازی است که سلاطین مملوکی داشتند. در این تقسیم‌بندی‌های ریاضی‌گونه، فضا و زمینه در منسوجات مملوکی جای خود را به طرح‌های نوک‌تیز و سیال در زمینه می‌دهد. طراحی واقع‌گرای ظریف این دسته از پارچه‌ها مطابق است با هنر یوآن در تقابل با اجراهای ظریف، تجریدی و جسورانه مملوکی است» (Walker, ۱۹۹۸: ۱۳۸). چینی‌مآبی در منسوجات مملوکی به دو شکل کلی تأثیر گذاشت. در نخستین روش حاکمان و خلفای مملوکی با مشاهده ابریشم‌های چینی صادراتی یوآن به بازارهای مملوکی از بافندگان و طراحان مملوکی درخواست تقلید از آن‌ها را داشتند. دومین روش این بود که طراحان پارچه در چین، به سفارش مملوکیان طرح‌هایی مطابق با نیاز مملوکیان آماده می‌کردند و برای بافندگان مصر ارسال می‌کردند. یکی از نمونه‌های نفیس که از خصوصیات طرح‌های چینی‌مآبی را می‌توان در آن به‌خوبی دید، تکه ابریشمی است که در موزه برلین نگهداری می‌شود. طلاکاری‌شده بر زمینه قهوه‌ای‌رنگ خود نشان از یک تلفیق چینی و اسلامی است. (تصویر ۹) در این تصویر قاب‌های دوازده‌ضلعی متوالی طرح پرنده (طوطی) متن ستایشی عزت باد بر اربابمان سلطان، یکتای بی‌همتا خردمند و نصیر، اسلامی هستند و طراحی واقع‌گرایانه برگ‌ها، پیچک‌ها و اژدها به سبک چینی است.



تصویر ۹- ابریشمی چینی صادراتی با طرح طلاکاری شده و اسلامی برای بازار مملوکی، عزت و شکوه باد بر اربابمان سلطان الملك العادل العلیم نصیر، احتمالاً النصیر محمد ابن قلاوون، ۱۳۴۱-۱۲۹۳ (با دو زدگی)، سلسله یوآن (۱۳۶۸-۱۲۷۹)؛ بافت ترکیبی (زمینه با بافت جناغی، طرح اصلی با بافت ساده)، نوار طلاکاری شده؛ ۷۰×۲۱.۸ سانتیمتر. موزه کونست گوربه، برلین غربی، شماره ۷۵.۲۵۸.



تصویر ۱۰- ابریشمی چینی صادراتی، غشای طلاکاری شده، ترنج‌های نوک‌تیز برای بازار غرب، با مضمون عزت و جلال باد بر اربابمان سلطان و پادشاه یکتا و ماهر باشد که پیروانش شکوهمند شوند، سلسله یوآن (۱۳۶۸-۱۲۷۹)؛ بافت ترکیبی، غشای طلاکاری شده. موزه کونست گوربه، برلین غربی، شماره ۶۸.۲۷۴۲.

نمونه دیگری از صادرات یوان یک ابریشمی با طرح اصلی با الیاف زر و آبی ملایم بر زمینه آبی پخته است. (تصویر ۱۰) دورتادور قاب‌های دالبری اطراف خیلین‌ها (نوعی جانور که در تصویر می‌بینید) که روبه‌روی هم ایستاده‌اند از گیاهانی مرکب از خط عربی تشکیل شده است. طرح واقع‌گرایانه این ابریشمی بیشتر به آثار چینی شبیه است تا اسلامی.

نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی نمونه‌های موردی نقوش پارچه مربوط به دوره ممالیک حاکی از این است که نیاز به ایجاد مقبولیت نزد مردم مصر و سوریه و همچنین حاکمان سایر سرزمین‌های اسلامی همچون ایران (مغول‌ها) از سوی حاکمان مملوکی موجب شد تا پارچه نقش سیاسی به خود بگیرد. نیاز به استفاده از الیاف فاخر همچون ابریشم و طلا موجب شد صنعت نساجی در مصر دچار تحول شود. در این دوران، نخ‌هایی Z تاب که در ایران کاربرد داشت، کمابیش جایگزین نخ‌های سنتی مصری S تاب شد. استفاده از دستگاه زربفت در تولید نخ Z تاب کمک کرد تا صنعت نساجی بتواند پارچه‌هایی با غلبه جنس ابریشم (با ابریشم بیشتر) تولید کند. همین تغییر در استفاده از تکنولوژی تولید، امکان دیباچه‌ای غنی از نقوش در شکل خطی و قرینه آینه‌ای را فراهم ساخت؛ لذا امیران مملوکی بدون هیچ محدودیتی، نقوشی را که پاسخگوی اهداف سیاسی و اجتماعی آن‌ها بود، به تولیدکنندگان سفارش می‌دادند. بر این اساس می‌توان دریافت که هرچند مملوکیان در تمام طول سلطنتشان در دربار، کارگاه سلطنتی مشخصی به تولید نسوج اختصاص ندادند؛ اما نیاز اجتماعی آن‌ها بر مشروعیت‌بخشی به هویت جدیدشان به‌عنوان حاکمان سرزمین‌های اسلامی در مقابل هویت غلامی و بردگی گذشته موجب شد نقش پررنگی در منسوجات فاخر این دوره داشته باشند. چنانچه نام مملوکی در کنار منسوجات این برهه از زمان جاودانه شده است، امروزه می‌توان از سبک مملوکی به‌عنوان نوعی سبک در صنعت نساجی مستقل سخن گفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتابها

- السید، النشار. (۱۴۱۳)، *تاریخ المكتبات فی مصر العصر المملوکی*، تقدیم محمد فتحی عبدالهادی و جوزیف نسیم یوسف، دارالمصنعه اللبنانیه، الطبعة الأولى.
- بلر، شیلا؛ ام بلوم، جاناتان. (۱۳۸۱) *هنر و معماری اسلامی*، اردشیر اشراقی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- شبارو، عصام محمد. (۱۳۸۰). *دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آن در تاریخ اسلام*، شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- عزالدین علی، محمد کمال الدین. (۱۴۱۴). *دراستات نقدیه فی المصادر التاريخیه*، بیروت: عالم الکبر.
- ماجد، عبدالمنعم. (۱۹۷۹). *نظم دوله سلاطین الممالیک و رسومهم فی مصر*، قاهره: مکتب الانجلوالمصریه.
- موسی پاشا، عمر. (۱۴۱۹). *تاریخ الأدب العربی العصر المملوکی*، دمشق: دارالفکر، إعادة الطبعة الأولى.
- Baker, L. (۱۹۹۵). *Islamic Textiles*, London.
- Bellinger, L. (۱۹۸۴). "Technical Analysis," in *Catalogue of Dated Tiraz Fabrics*, ۱۰۱ – ۹.
- Mackie, L. (۱۹۸۴). "Toward an Understanding of Mamluk Silks: National and International Considerations." *Muqarnas: An Annual on Islamic Art and Architecture* ۱۲۷-۱۴۶.
- Mayer, L.A. (۱۹۵۲). *Mamluk Costume, The effects that development in ceremonial had on Mamluk art of the fourteenth century are examined in Bethany Medieval Sgraffito*, W.(Phd .diss., University of Toronto).
- Walker , J.B. (۱۹۹۸). *The Ceramic Correlates of Decline in the Mamluk Sultanate: An Analysis of Late medieval sgraffito wares* , (Phd .diss., University of Toronto).
- <https://www.benaki.org>
- <https://goteborgskonstmuseum.se>
- <https://www.metmuseum.org>
- <https://miaegypt.org/>
- <https://museum.gwu.edu>
- <https://www.smb.museum>
- <https://www.vam.ac.uk>